



پل الوار

زنجیره هولناک تجاوز به کودکان در ایران!

بهرام رحمانی

حکومت اسلامی ایران، حکومت جهل و جنایت، وحشت و ترور، شکنجه و اعدام، متجاوز، غارتگر و استثمارگر است. یکی از ارمغان‌های حکومت اسلامی ایران به جامعه ایران، تجاوز به زندانیان است. آن جانیانی که در زندان‌ها به زندانیان زن و مرد تجاوز می‌کنند؛ یا در زیر شکنجه به قتل می‌رسانند؛ در این جنایت آن‌ها قاضی و زندان‌بان و شکنجه‌گر با همدیگر همکاری می‌کنند و از مصونیت دولتی هم برخوردارند همین جانیان و اطرافیان آن‌ها نیز می‌توانند به راحتی آب خوردن در جامعه به هر دختر بچه و پسر بچه و بزرگسال تجاوز کنند.

نمونه تازه و دردناک تجاوز به یک دختر خردسال است. و دردناک‌تر آن است که یک روز پس از آن که رییس اورژانس اجتماعی ایران گزارش‌ها درباره تجاوز به یک دختر خردسال افغان در خمینی‌شهر اصفهان را تایید کرد، محمدجواد ابطی، نماینده خمینی‌شهر، با نگارش نامه‌ای خواستار برکناری مسئول رسانه‌ای شدن این خبر شد.

رضا جعفری، رییس اورژانس اجتماعی ایران، روز شنبه 12 خرداد خبر داد که این دختر بچه پنج ساله هفته پیش از آن، «در حالی که مقابل خانه مشغول بازی بوده، از سوی سه مرد متجاوز ربوده و پیکر نیمه‌جان او چند ساعت بعد در خرابه‌ای پیدا می‌شود.»

در گزارش پایگاه خبری «شفقتنا» نام این دختر بهره ذکر شده است. در همین حال مسئولان سفارت افغانستان در ایران نیز صحت رخداد را تایید کرده و گفته‌اند که پلیس و کمیسر سازمان ملل در امور پناهندگان در حال بررسی آن هستند.

اما روز چهارشنبه 16 خرداد، در رسانه‌های ایران و شبکه‌های اجتماعی متن نامه‌ای از سوی نماینده خمینی‌شهر در مجلس منتشر شد که در آن آمده است: «همان‌طور که مستحضرید آقای جعفری رییس اورژانس اجتماعی کشور در اقدامی ناشایسته، مسئله تجاوز به دختر افغانی در شهرستان خمینی‌شهر را رسانه‌ای کرد، حال آن که معلوم نیست تجاوز حتی باشد.»

این نامه در تاریخ 13 خرداد ماه از سوی محمدجواد ابطی به انوشیروان محسنی بندپی، رییس سازمان بهزیستی کشور نوشته شده است. در ادامه این نامه آمده است: «تائید معلوم نیست متجاوزان چند نفر بوده‌اند، ثالثاً معلوم نیست تبعه چه کشوری بوده‌اند، رابعاً معلوم نیست انگیزه‌های عامل یا عاملین در صورت صحت ماجرا چه بوده است.» این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در ادامه نوشته است: «متأسفانه دشمنان انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) از فرصت سوءاستفاده کرده، در شبکه‌های مختلف داخلی و خارجی، اسلام، پیامبر، اهل بیت، امام خمینی و رهبری و مردم شهیدپرور استان را آماج افترا و لجن‌پراکنی قرار داده‌اند.»

محمدجواد ابطی در پایان نیز نوشته است: «لذا مستدعی است نسبت به برکناری فوری ایشان از سمت ریاست اورژانس اجتماعی کشور اقدام و نتیجه را جهت کاهش التهاب و تنش در شهرستان رسانه‌ای فرمایید.»

پیش از این در اوایل خردادماه سال 90 نیز، 12 نفر از «ارادل و اوباش» با ورود به باغی که میهمانی خصوصی در آن برپا بود، با زندانی کردن مردان در یک اتاق، دختران و زنان را جمع کرده و مورد تجاوز قرار دادند. در همان تاریخ، محمدجواد ابطی نماینده خمینی‌شهر در مجلس، درباره آن رخداد با این ادعا که «امر تجاوز ممکن است در شهرها و مکان‌های دیگر هم به وقوع بپیوندد»، تاکید کرد که رسانه‌ای کردن این مسئله «قیح عمل» را از بین می‌برد و «فرصت را برای اختفا و متواری شدن مجرمان» فراهم می‌کند.

موسی سالمی، امام جمعه شهرستان خمینی‌شهر هم در همان زمان گفته بود: «البته آن‌ها هم که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند آدم‌های علیه‌السلامی نبوده‌اند» و از «14 نفر» حاضر در این باغ «فقط دو نفرشان خانواده بودند.»

طی هفته‌های گذشته، و با انتشار گزارش‌های مربوط به پرونده «آزار جنسی» در دبیرستان معین تهران و دیگر گزارش‌های مشابه، اعتراضات و

ادامه در ص 6

تو را به جای همه زنانی که نشناخته‌ام دوست می‌دارم
تو را به جای همه روزگاری که نمی‌زیسته‌ام دوست می‌دارم
برای خاطر عطر گسترده بیکران
و برای خاطر عطر نان گرم
برای خاطر برقی که آب می‌شود،
برای خاطر نخستین گل‌ها
برای خاطر جانوران پاکی که آدمی نمی‌رماندشان
تو را برای خاطر دوست داشتن دوست می‌دارم
تو را به جای همه زنانی که دوست نمی‌دارم دوست می‌دارم.
جز تو، که مرا منعکس تواند کرد؟ من خود، خویشتن را بس
اندک می‌بینم.

بی تو جز گستره بی‌کرانه نمی‌بینم
میان گذشته و امروز.

از جدار آینه خویش گذشتن نتوانستم
می‌بایست تا زندگی را لغت به لغت فرا گیرم
راست از آن‌گونه که لغت به لغت از یادش می‌برند.

تو را دوست می‌دارم
برای خاطر فرزادنگیت که از آن من نیست
تو را برای خاطر سلامت
به رغم همه آن چیزها

که به جز و همی نیست دوست می‌دارم
برای خاطر این قلب جاودانی که بازش نمی‌دارم
تو می‌پنداری که شکی، حال آن‌که به جز دلیلی نیست
تو همان آفتاب بزرگی که در سر من بالا می‌رود
بدان هنگام که از خویشتن در اطمینانم.

مترجم: احمد شاملو

بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!

کمون

نشریه «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»
هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

سرمدبیر: بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

همکاران نشریه: غزال علیایی، سارا محمدی،
اهون چیاکو، جلال سیزواری، وحید محمدی،
امین قضائی، شاهین محمدی، مراد عظیمی و
بیژن رنجبر.

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و
خلق‌های ایران»:

* بهرام رحمانی

امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

* اهورن چیاکو

امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دمکراتیک
جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
همه جنبش‌های ملی دمکراتیک خلق‌های
ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری،
سکولار، آنارشویست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو
را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به
مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی
دعوت می‌کند.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران،
صریحا اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دمکراتیک،
حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم
شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری
اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این
حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار
خواهد داد.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران،
از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و
برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی
مردمی، تشکل‌های توده‌ای، کارگری و فعالین
سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به
همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

فراخوان پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران:

به کمپین لغو اعدام در ایران بپیوندید!

حدود چهل سال از حاکمیت جمهوری اسلامی بر جامعه ایران می‌گذرد و به اندازه کافی
زمان سپری شده است تا بتوانیم درباره حاکمیت برآمده از انقلاب 1357 مردم ایران
داوری بکنیم. انقلابی که برای دموکراسی، آزادی، نان و مسکن بود به غیرانسانی‌ترین
شکلی توسط گروه‌های اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی سرکوب گردید. حکومتی که در
این چهل سال حاکمیت خود، اکثریت مردم ایران را دچار انواع و اقسام فلاکت‌های
اقتصادی و سیاسی، سانسور و اختناق، ترور و وحشت، زندان و شکنجه، اعدام و
سنگسار، بیکاری و بردگی، گرانی و فقر، کرده است. در حالی که در این چهل دهه،
حکومت اسلامی بیش از 7 تا 8 برابر کل دوران قاجار و پهلوی از صادرات نفت درآمد
داشته است. اما علاوه بر فساد اقتصادی گسترده و نهادینه شده در جمهوری اسلامی،
بخش عمده این درآمدهای نفتی و غیرنفتی به عرصه میلیتاریستی، جنگ‌های نیابتی در
یمن، لبنان، عراق، افغانستان، سوریه و آموزش و تسلیح گروه‌های شیعه و غیره
اختصاص داده شده است.

کارنامه حکومت اسلامی ایران در این 40 سال، فجیع و هولناک است. کشتار ده‌ها
هزاران زندانی سیاسی، جنگ هشت ساله با عراق و کشته و معلول شدن صدها هزار
ایرانی و آوارگی میلیون انسان از خانه و کاشانه خود، اعدام‌های دسته‌جمعی در
دادگاه‌های صحرایی دو سه دقیقه‌ای و بدون حق دفاع و داشتن وکیل، انحصار رسانه‌ها و
سانسور کتاب‌ها و کشتن نویسندگان و هنرمندان و ترور فعالین سیاسی و فرهنگی در
داخل و خارج کشور، بخشی از کارنامه تکان‌دهنده جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی در این چهل سال حاکمیت خود به هیچ رسانه، نهاد دمکراتیک مردمی،
سازمان و حزب سیاسی، نه تنها اجازه فعالیت نداده است، بلکه فعالین این عرصه‌های
سیاسی و فرهنگی را تهدید، ترور، زندانی، شکنجه و اعدام کرده است. در زندان‌ها
جمهوری اسلامی ایران، به زندانیان سیاسی و اجتماعی تجاوز می‌شود و حتی
شکنجه‌گران بدون واهمه قربانیان خود را در زیر شکنجه می‌کشند.

جمهوری اسلامی ایران، نه تنها به خانواده‌های اعدام‌شدگان و یا آن‌هایی که به دلایل
سیاسی به خارج کشور گریخته‌اند کار نمی‌دهد، بلکه همواره آن‌ها را تهدید می‌کند.

جمهوری اسلامی در این چهل سال، همواره اقلیت‌های مذهبی مانند بهایی‌ها، سنی‌ها،
درویش و حتی مخالفین شیعه خود را شدیداً سرکوب کرده است. خانه‌های بهانیان را
غارت می‌کند و حتی دانشجویان بهایی را نیز از دانشگاه‌ها اخراج می‌کند. اکنون بخشی
از زندانیان سیاسی ایران مربوط به همین اقلیت‌های مذهبی است.

جمهوری اسلامی در این چهل سال، زبان‌ها خلق‌های غیرفارسی ایران را ممنوع کرده و
فعالین آزادی زبان‌ها مادری را تهدید و زندانی می‌کند. همچنین جمهوری اسلامی مناطقی
چون کردستان، آذربایجان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، لرستان و ترکمن صحرا را
آگاهانه یا مشکلات عدیده اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی روبه‌رو ساخته و در
برخی از این مناطق، بیکاری دو یا سه برابر نقاط مرکزی ایران است.

بی‌عدالتی اجتماعی و فاصله طبقاتی، با وجود اقتصاد دولتی، هر ساله شدت بیش‌تری
می‌یابد و بخش‌های جدیدی از جامعه ایران به زیر خط فقر می‌رود.

در دوران 40 ساله جمهوری اسلامی، جایگاه جهانی ایران در درآمد سرانه به رتبه حدود
100 نزول کرده است. اقتصاد کشور سقوط کرده و فقر و گرانی فراگیر شده است. بر
اساس آمار دولتی، بیش از 40 میلیون ایرانی در زیر خط فقر مطلق و نسبی زندگی
می‌کنند.

بیکاری در ایران بیداد می‌کند. حتی بر اساس آمار دولتی، ایران در میان 18 کشوری
است که بیش‌ترین بیکاری را در جهان دارند. از لحاظ فضای کسب و کار، رتبه ایران در
جهان کمتر از 152 است. ارزش پول ملی، به شدت کاهش یافته و پول ایران جزو سه
پول بی‌ارزش جهان شده است. فساد مالی، مانند غدس سرطانی، همه اندام جامعه را
فراگرفته است؛ و در راس هرم این فساد رهبری قرار دارد که، علاوه بر تسلط بر همه
شریان‌های اقتصادی کشور، به تنهایی صاحب اختیار 95 میلیارد دلار سرمایه است.
سرمایه‌ای که هیچ نهادی بر آن نظارت ندارد. شاید رهبر هیچ کشوری در جهان چنین
ثروتی در اختیار ندارد. رهبری که مواضع و فرمان‌هایش بالاتر از همه قوانین خود
جمهوری اسلامی است.

غارت‌ها و فسادهای مالی رخ‌داده در دوران جمهوری اسلامی احتمالا بزرگ‌ترین
غارتگری‌ها و فسادهای مالی در تاریخ بشر بوده است. میزان این فسادها چنان کلان و
نجومی است که قابل تصور نیست. در حاکمیت جمهوری اسلامی، شنیدن خبر فساد مالی،
هر اندازه کلان، برای مردم عادی شده است.

خروج سرمایه از ایران روندی رو به رشد داشته و تنها در دو ماه اخیر آوریل و مه
2018، بیش از 30 میلیارد دلار از ایران خارج شده است. بخش اعظم این مبالغ توسط
سپاه پاسدارن خارج شده است تا صرف هزینه‌های جنگ‌های نیابتی جمهوری اسلامی و
گروه‌های شیعه مانند حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن و یا دفاع از حکومت بشار اسد در
سوریه اختصاص داده شود. به علاوه شرکت‌های بین‌المللی و سرمایه‌داران داخلی
سرمایه‌های خود را به دلیل ناامنی و تحریم اقتصادی و احتمال جنگ و شورش از ایران
خارج می‌کنند و عمدتاً به کشورهای همسایه ایران انتقال می‌دهند. در چنین وضعیتی،
تورم و گرانی و بیکاری بیداد می‌کند و بسیاری از صنایع کشور، تعطیل و نیمه تعطیل و یا
در آستانه ورشکستگی قرار گرفته‌اند و دستمزد صدها هزار کارگر پرداخت نشده است.

ادامه در ص 3

فراخوان پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها ...

جمهوری اسلامی، با در پیش گرفتن سیاستی فاجعه‌بار در مسئله اتمی صدها میلیارد دلار زیان به مردم ایران تحمیل کرده است. اکنون نیز آمریکا برجام را لغو کرده است دوباره ایران در معرض تحریم‌های اقتصادی کمرشکن قرار گرفته و بار دیگر شبه هولناک جنگ نیز بر بالای سر جامعه ایران به پرواز درآمده است.

جاده‌های ایران در رده پنجم جاده‌های پرخطر جهان است و سالیانه ده‌ها هزار ایرانی - از بیست تا سی هزار نفر - در این جاده‌ها جان می‌بازند. عده کشتگان سالانه جاده‌های ایران بیش از متوسط جان‌باختگان جنگ ایران و عراق در هر سال است.

میلیون‌ها کودک ایرانی به علت مشکلات اقتصادی و اجتماعی از تحصیل محروم شده‌اند. ارزیابی شاخص کیفیت زندگی در بین 194 کشور جهان نشان می‌دهد. ایران جزوده کشور پرمشقت جهان است.

نقض حقوق کودک با آموزش نظامی و فرستادن آن‌ها از مدارس به جبهه‌های جنگ و اعدام کودکان نیز بخش دیگری از کارنامه جمهوری اسلامی است.

ایران از حیث احساس شادی و رضایت شهروندانش در رتبه صدوپانزدهم جهان است؛ و ایرانیان از افسرده‌ترین مردمان جهان‌اند.

طبق آمار پزشکی قانونی، در حدود سی درصد ساکنان تهران دچار مشکلات روحی و روانی‌اند. ایران از نظر شیوع و مصرف مواد مخدر دومین کشور جهان است. تنها در چند سال گذشته، مرگ ناشی از مصرف ترامادول چهار برابر شده است. خسارات ناشی از اعتیاد برابر با کل بودجه سلامت در ایران است.

در جمهوری اسلامی، با آزادی‌های فردی و اجتماعی به شدیدترین شکل مقابله می‌شود و ایرانیان از ابتدایی‌ترین حقوق خود، محروم شده‌اند. چرا که نهادهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی، حتی در کوچک‌ترین امر خصوصی شهروندان دخالت پلیسی می‌کنند.

بخش مهمی از نیروهای پلیس کشور، به جای حفظ امنیت، به تحمیل اجباری و خشن حجاب بر زنان ایران می‌پردازند و هر روزه عده‌ای به جرم «بدحجابی» دستگیر و زندانی می‌شوند. حقوق زنان و کودکان به صورتی سازمان‌یافته و خشن پایمال می‌شود و هر روزه فجایع دهشتناکی به علت اجرای قوانین ناقص حقوق زنان و کودکان رخ می‌دهد.

در حالی که قوانین جمهوری اسلامی سن ازدواج برای دختران 9 سال و پسران 15 سال تعیین کرده است اگر دختر و پسر بالای 18 سال با هم رابطه دوستی و عشقی برقرار کنند دستگیر و زندانی می‌شوند و شلاق می‌خورند. گاهی رابطه عشقی زن و مرد بالغ به سنگسار هم منجر شده است.

ایران یکی از پنج زندان بزرگ روزنامه‌نگاران در جهان است و، از حیث آزادی مطبوعات، در رتبه ۱۹۱ جهان قرار دارد. ایران از نظر آزادی اینترنت در میان شصت کشور در رتبه آخر است؛ و به همراه چین بیش‌ترین محدودیت‌ها را بر اینترنت اعمال می‌کند و از نظر سرعت دائلود از اینترنت نیز، رتبه جهانی ایران 170 است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی اسباب سرکوب منتقدان، فعالان سیاسی، و مردم معترض شده و به ماشین آدم‌کشی تبدیل شده است. حکومت اسلامی در این چهار سال سیستم آپارتاید جنسی را بر جامعه ایران حاکم گردانده و زنان را

به‌طور سیستماتیک سرکوب می‌کند. درصد بالای دانشجویان دختر در ایران نشان می‌دهد که زنان ایران از توان‌ترین زنان جهان‌اند؛ اما رتبه ایران در دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی و سیاسی، در بین 136 کشور، 130 است.

جمهوری اسلامی با الغای قانون حمایت از خانواده و تصویب قوانین ضدزن و ضدکودک بیش‌ترین ستم را بر زن و کودک و خانواده ایرانی تحمیل کرده و باعث تباهی جامعه شده است.

سیاست‌های جمهوری اسلامی درباره میلیون‌ها پناهنده و مهاجر، به ویژه مهاجران افغان، بسیار ضدانسانی است. در برخی از استان‌های ایران، حتی ورود افغان‌ها به پارک‌ها یا فروشگاه‌های مواد غذایی ممنوع شده است. به علاوه، کودکان مهاجران «غیرقانونی» افغان حق تحصیل در مدارس ایران را ندارند. اگر یکی از والدین کودکی افغان باشد جمهوری اسلامی، حتی برای آن کودک شناسنامه صادر نمی‌کند.

فرار مغزها از ایران، جامعه ایران را ضعیف و ضعیف‌تر می‌کند. ایران در حال از دست دادن بهترین سرمایه‌های انسانی خود است. بر اساس آمار و اطلاعات بنیاد ملی نخبگان و صندوق بین‌المللی پول، ایران اولین کشور در بین 91 کشوری است که دچار عوارض خروج نخبگان و تحصیل‌کردگان‌اند. بر اساس اقرار وزیر آموزش عالی جمهوری اسلامی، ایران سالانه 150 میلیارد دلار از بابت فرار مغزها زیان می‌کند.

امنیت و اخلاق از ایران رخت بریسته است. به گفته مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران، سالانه بیست درصد به شمار زندانیان ایران افزوده می‌شود و عده زندانیان به 217 هزار نفر رسیده است. مسنولان جمهوری اسلامی گفته‌اند که ۴۳ درصد از زندانیان مجرمان مواد مخدر و 28 درصد آنان سارقان‌اند.

به گزارش مسنولان زندان‌های جمهوری اسلامی، در سال 1358، جمعیت ایران 36 میلیون نفر و عده زندانیان در حدود هشت هزار نفر بوده است؛ اما اکنون، در حالی که جمعیت ایران بیش از دو برابر سال ۱۳۵۸ شده، عده زندانیان 27 برابر شده است. جمهوری اسلامی ایران جزو 8 کشور اول دنیا از لحاظ تعداد زندانیان است.

اما مقامات جمهوری اسلامی ایران، هیچ گزارشی و آماری از وضعیت زندانیان سیاسی نمی‌دهند. تنها در اعتراضات دی ماه گذشته، حدود 4 هزار معترض را دستگیر کردند.

هم‌کنون بسیاری از فعالین کارگری، زنان، دانشجویان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، فعالین محیط زیست، حقوق بشر، وکلا و غیره در ایران زندانی هستند.

ویرانی زیست‌بوم ایران فاجعه‌بار است و بخش مهمی از میراث طبیعی چند میلیون ساله ایران را خطر نابودی تهدید می‌کند. سرمایه آبی کشور، به‌ویژه بر اثر مدیریت نادرست و سودجوی آن، در حال نابودی است. سطح آب سدها به کمتر از سی درصد رسیده است.

به علت آلودگی زیست‌بوم و طوفان ریزگردها، بیماری‌های خونی و تنفسی در خوزستان و سیستان افزایش شدیدی داشته؛ به‌طوری که اخیراً اعلام آمار بیماران تنفسی در خوزستان ممنوع اعلام شده است.

517 شهر کشور در معرض تنش آبی قرار دارند؛ و کمبود آب به مشکل بزرگ جامعه ایران تبدیل شده است. مدیریت غلط در بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی باعث فرونشست نشست‌های ایران شده است، چنان که بیش‌ترین فرونشست زمین در جهان در دشت تهران بیش از 36 سانتی‌متر نشست بوده است. دریاچه‌های بختگان و جازموریان هامون

و... همگی در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی خشک شده‌اند. دریاچه ارومیه نیز در حال مرگ است. همچنین تالاب‌های بسیاری یا خشک شده‌اند یا در حال خشک شدن هستند.

تاکنون بیش از چهل تالاب کاملاً خشک شده است. برخی از آن‌ها از زیباترین تالاب‌های جهان بوده‌اند. جنگل‌های ایران نیز در حال نابودی است. فقط در چند سال گذشته بیش از بیست درصد از جنگل‌های زاگرس از بین رفته است. جنگل‌ها را برای منافع کوچک شخصی به سرعت از بین می‌برند و فرسایش خاک ابعادی وحشتناک یافته است. بر اثر خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، طوفان‌های حاوی ریزگردها بیش از بیست استان ایران را درمی‌نوردند. زندگی را برای شهروندان سخت و گاهی ناممکن می‌کنند. بر اثر خشک شدن دریاچه‌ها، طوفان‌های خاک و نمک ایران را تهدید می‌کند. تا کنون روستاهای زیادی زیر خاک دفن شده‌اند؛ و در آینده‌ای نزدیک زندگی در شهرهای بزرگ ایران نیز ناممکن خواهد شد. آلودگی هوا سالانه جان هزاران نفر را می‌گیرد و برخی از شهرهای ایران از آلوده‌ترین شهرهای جهان شده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران، آماری درباره اعدام‌ها نمی‌دهد. اما گاهی خبر اعدام‌ها در رسانه‌ها منتشر می‌گردد. سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون، نهادهای حقوق بشری ایرانی، عفو بین‌الملل و سازمان ملل هر ماه و هر سال گزارش‌هایی در این مورد اعلام می‌کنند.

گاهی این آمارها متفاوت است و به خصوص جمهوری اسلامی برخی زندانیان را مخفیانه اعدام می‌کند و یا در زیر شکنجه می‌کشد. گاهی نیز قربانیان خود را با هدف دامن زدن به رعب و وحشت در جامعه و مرعوب کردن مردم در خیابان‌ها به دار می‌آویزد. جمهوری اسلامی، نوجوانان را نیز زندانی، شکنجه و اعدام می‌کند.



ادامه در ص 5

کمون و شورا

مراد عظیمی

1- کمون

هنری لونیز مورگان، 1818-1881، انسان‌شناس آمریکایی اولین پژوهش‌گری است که با تحقیق در بین مردم بومی ایرکوی آمریکا از کمون‌های اولیه به‌عنوان جوامع بی‌طبقه و با برابری اجتماعی سخن گفت. (1) در معنای کمون‌های اولیه، کمون واحد پایه‌ای سیستم کمونی تعریف شد.

بعد از فروپاشی کمون‌های اولیه و گذشت هزارها سال، یکبار دیگر ساختار اجتماع کمونی در سال 1871 در کمون پاریس رخ داد. به‌نظر من، اطلاق واژه کمون به خیزش پاریس نارساست و دقیقاً شکل سازمان‌یابی به هم آمدن مردم پاریس را بیان نمی‌کند. این سوال در میان گذاشته می‌شود که: آیا همه مردم پاریس در یک گردهمایی کلان نمایندگان‌شان را انتخاب کردند؟

مارکس در تحلیل کمون پاریس (2)، می‌نویسد: کمون از نمایندگان شهرداری، کمون، کمیونیتی یا میونسپالیتی‌ها، یا آرای مردم شهرداری‌های نواحی گوناگون پاریس انتخاب شدند و نماینده‌ها به شهروندان شهرداری‌ها پاسخگو بودند. بنابراین، بدیهی است که در ساختار سازمان‌یابی مردم پاریس در خیزش پاریس واژه کمون نه در مفهوم شکل سازمان‌یابی پایه‌ای در نواحی مختلف شهر پاریس، بلکه به چتر نمایندگان منتخب نواحی شهر پاریس نسبت داده شد. به سخن دیگر، در تحلیل مارکس از سامان‌یابی پاریس، نمایندگان منتخب پاسخگو به شهروندان شهرداری‌ها را برجسته گردیدند و شکل نوین به هم آمدن مردم شهرداری‌ها، کمون‌ها، در دموکراسی مستقیم و داشتن حق انتخاب و انفصال نماینده، برخلاف سیستم دموکراسی از بالای مدرنیته سرمایه‌داری (3)، و اهمیت این مکانیسم موضوعی برای تحلیل آینده حواله داده شد.

کمون در تعریف واحد سامان کمون‌یابی یا کمونالیسم جامعه، دموکراتیزه شدن کامل شهرداری‌ها و جواب‌گوشدن نمایندگان منتخب شهرداری‌ها به مردم ساکن محلات یا شهرداری‌ها بدیلی شد بر گونه کمون یا کامیونیتی از بالای لیبرالیسم مدرنیته سرمایه‌داری، چرا که، در بهترین نوع کمون یا کامیونیتی لیبرالیسم مدرنیته سرمایه‌داری اهالی محله عملاً از شرکت در اداره شهرداری‌ها، یا کمون‌ها، محروم هستند و سهام‌شان از شرکت در تصمیم‌گیری در سرنوشت محلات تا این اندازه محدود شده است که هر چهار سال اگر خواسته باشند یک روز پای صندوق رای رفته و به این یا آن کاندیدای مدرنیته سرمایه‌داری رای دهند.

بقای مدرنیته سرمایه‌داری بر سلطه‌اش بر جامعه گره خورده است. عدم دخالت یا انفعال مردم در تصمیم‌گیری اداره محلات توازن قدرتی به سود مدرنیته سرمایه‌داری عمل می‌کند. به‌هر درجه‌ای که مردم توازن قدرت مدرنیته سرمایه‌داری در محلات را چالش کنند، به همان اندازه یک توازن قدرت دوگانه جدید پدیدار گردیده و نهایت یا به سرنگونی مدرنیته سرمایه‌داری و یا به سرکوب جنبش دموکراتیزه

کردن کامل محلات منجر خواهد شد. واقعیتی که امروز فاشیسم ترکیه با جنگ و کشتار می‌خواهد از متحول شدن توازن قدرت دوگانه به سود شهرداری‌ها یا کمون‌های کردستان ترکیه جلوگیری کند.

در جامعه مدرنیته سرمایه‌داری، انسان‌ها بنا بر تقسیم کار اجتماعی در موقعیت‌های اجتماعی متفاوتی قرار دارند. برده مزدی شاغل یا بیکار، زنان خانه‌دار و... تحقیر گردیده و صدانی در بالا ندارند. برعکس سرمایه‌داران، بانکداران، بوروکرات‌ها و صاحبان صنایع در مدرنیته سرمایه‌داری محترم شمرده می‌شوند و حاکمیت هوای این‌ها را دارد. یک جنبه بسیار مهم ساختار کمونی، زدودن موقعیت اهالی محله بنا بر تقسیم کار اجتماعی است. افراد نه به‌عنوان مکانیک، کارگر موسسه تولیدی یا خدماتی، نه معلم و پرستار، روزنامه‌نگار، برنامه‌نویس و غیره، بلکه همچون یک شهروند محله در کمون شرکت نموده و روحیه و سنت شهروندی رشد می‌کند. (در جهان‌بینی کمیونیتی نیز با سرنگونی مدرنیته سرمایه‌داری و تاسیس جامعه بی‌طبقه، همه احاد جامعه همچون شهروندان جامعه ظاهر می‌شوند. مارکس در ایدئولوژی آلمانی، تصویر جالبی از افراد در جامعه بی‌طبقه ارائه می‌دهد: من صبح ماهی‌گیری می‌کنم، بعد از ظهر نقاشی کرده و عصر نیز اگر خواسته باشم به تحلیل می‌پردازم، ولی من نه ماهی‌گیرم، نه نقاش و نه تحلیل‌گر.)

کمون پاریس، عمر کوتاه سه‌ماهه داشت. مارکس در تحلیل‌اش از کمون پاریس، اقدامات گوناگون کمون را برشمرد، ولی به‌هر رو، توضیح نقش محوری کمون به‌عنوان نهادی دموکراتیک از پایین و متشکل از نمایندگان شهرداری‌های نواحی پاریس و پاسخگو به شهروندان مطرح نشد. از این‌رو، کمون پاریس سامانی کلی مشاهده گردید، و جایگاه شهروندان در شهرداری‌های نواحی پاریس با خصلت جدید به‌مثابه ستون فقرات ساختار کمون پاریس تحلیل نگردید. نام ساختار اجتماعی پاریس کمون نامیده شد و واحد پایه‌ای آن شهرداری‌ها. بعد چه شد؟

از آخوندها نقل شده است که: واژه کمیونیت از ریشه کمو، و نیست در رد خدا تشکیل شده است. بعد از کمون پاریس، چپ با سنت پیشین واژه کمیونیت را به‌معنای طرفداران کمون یا جنبش کمونی درنیافت و یا تعریف نکرد تا کمون، کمیونیتی، میونسپالیتی‌ها، از بالای مدرنیته سرمایه‌داری را دموکراتیزه کند. جنبش‌های چپ واژه کمیونیت و کمونیزم را پذیرا شدند، و بر این سیاق برای استقرار کمونیزم پراتیک کردند و موضوع تشکلات کمونی شاید به دوره پسامدرنیته سرمایه‌داری محول شد.

بالاخره، اگر در دموکراسی‌های لیبرالی به دموکراتیزه کردن کمون یا کامیونیتی نیاز است، در دیکتاتوری جمهوری اسلامی از هر موقعیتی برای انجام هر درجه‌ای از درک تشکلات کمونی در اشکال گردهم آمدن مردم محلات کارگری ضرورت دارد.

2- شورا

مقدمتا گفته شود که شورا دو خصلت مهم دارد: شورا هم نهادی دموکراتیک است و هم ساختاری برای اداره کردن. بنابراین، هر جمعی دموکراتیک یک ساختار شورایی نیست.

اولین شورا در جنگ داخلی و انقلاب مشروطه سلطنتی انگلستان در سال 1648 ظهور نمود. ارتش مدل نوین، New Model Army، پارلمان نیروهای طرفدار سلطنت مطلقه چارلز اول را شکست دادند. پارلمان فاتح بدون دادن حقوق معوقه

سربازان حکم ترخیص آن‌ها را صادر کرد. سربازان مقاومت کردند و بدین ترتیب اولین شورای مدرنیته سرمایه‌داری در هیات سربازان و افسران جزء پدیدار گردید. (4) شورای سربازان سلسله مراتب ارتشی را چالش کردند. در یک‌سو ژنرال‌ها و در جانب دیگر نمایندگان سربازان پاتنی لندن مجادله کردند. از منظر پارلمان و ژنرال‌ها، وظیفه سربازان جنگیدن برای صیانت پارلمان بود و بس. ولی، سرهنگ تامس رینبارو، از نمایندگان منتخب سربازان بحث می‌کرد که افراد فقیر و ندار مملکت هم‌طراز با ثروتمندان باید در این کشور حقوقی داشته باشند...

بیش از دو قرن بعد، در شرائط جنگی و محاصره پاریس توسط ارتش پروس و تهدید حکومت جدید جمهوری فرانسه، این‌بار کمون، شورای خودجوش پاریس برپا گردید. سپس، شکل بروز جنبش‌های شورایی به‌عنوان حرکتی خودجوش و منوط به شرائط انقلابی ارزیابی شد. ولی، نه شورای سربازان در انقلاب 1648 انگلستان و نه شوراها در انقلاب 1906 روسیه خودجوش بودند. در روسیه اعتصابات کارگری، بویژه از دهه 1896 تا 1905 ادامه داشت (5). بالاخره، پدیدار شدن شوراها در برهه خیزش 1357 نیز آن‌چنان خودجوش نبود؛ تحت تاثیر شرائط خیزش‌های اجتماعی، ابتدا اعتصابات کارگری و سپس شوراها هویدا شدند.

دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران، در بحران عمیقی فرو رفته است. هر روز در گوشه و کنار کشور کارگران و مردم عاصی اقدام به اعتراض و اعتصاب می‌کنند. رژیم اختناق همانند همیشه، مطالبات کارگران و اقشار مردم را با سرکوب جواب می‌دهد. رژیم اختناق به سوی لبه سرنگونی می‌رود. اپوزیسیون‌های رنگین کمان داخلی و خارجی به تقلا افتاده‌اند. مدرنیته سرمایه‌داری جنایتکار آمریکا می‌خواهد با تشدید تحریم‌های اقتصادی زمینه‌های تغییر رژیم را فراهم آورده و فجاج هولناک عراق و لیبی و سوریه را در ابعاد ایران تکرار کند. تغییر رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، وظیفه و امواج مردم ایران است. بدیل دیکتاتوری ایدئولوژی شیعه‌مذهب جمهوری اسلامی، با تشکیل دولتی دیگر، باز هم استثمار، بی‌حقوقی مردم و ستم بر زنان را ادامه خواهد داد. بدیل جمهوری اسلامی، اداره جامعه با شرکت تمام مردم بزرگ‌سال در تشکلات کمونی و شورایی است.

ملاحظات

1- ولی، اشکال مهم تحقیقات مورگان این بود که او با دریافت نژادپرستانه سفید پوستان از تنوری تنازع بقای داروین اعصار پیش از تاریخ را به دوران‌های توحش و بربریت تقسیم نمود.

2- جنگ داخلی در فرانسه، نوشته مارکس.

3- مدرنیته سرمایه‌داری یا مدنیت سرمایه‌داری اصطلاح نامانوسی نیست. از بدو عروج‌اش در اروپا، سرمایه‌داری ظهور به اصطلاح مدنیت-Civilization را در دنیای بربریت، مژده داد! این دیدگاه بورژوازی چنان اقبال پیدا کرد که حتی گرایش چپ نیز آن را پذیرفت. برای نمونه، ادوارد برنشتاین وارث آثار انگلس، از سهم‌خواهی امپراطوری آلمان در آفریقای بربریت آشکارا دفاع نمود. عبدالله اوچالان مدرنیته دموکراتیک را بدیل مدرنیته سرمایه‌داری نامید.

4- حق رای، از پل فوت.

5- اعتصابات فراگیر روسیه، روزالوکزامبورگ.

فراخوان پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها ...

طبق آمارهایی که جمع‌آوری و منتشر شده است بین سال‌های 1360 تا 1364، بیش از 14794 نفر در ایران اعدام شده‌اند.

طبق خبرهای ثبت شده، برآورد شده است که در سال‌های 65 و 66، جمهوری اسلامی 1671 نفر را اعدام کرده است.

در تابستان 1367، جمهوری اسلامی ایران مرتکب جنایت بزرگی علیه بشریت به فرمان روح‌الله خمینی شد. چندین هزار زندانی سیاسی و عقیدتی در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های مرداد و شهریور 1367 به شکلی مخفیانه اعدام و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند. به‌طور کلی جرم زندانیان همکاری با سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی، به خصوص سازمان مجاهدین خلق ایران و همچنین طیف‌های مختلفی از نیروهای چپ و کمونیست بود. آیت‌الله منتظری جانشین آیت‌الله خمینی که به دلیل انتقاداتی از جمله درباره زندان‌ها، از سمت خود برکنار شد رقم اعدام‌های مخفیانه دو ماهه سال 1367 را قریب 4 هزار نفر اعلام کرده است. اما گفته می‌شود این رقم تنها به اعدام‌های مخفیانه تهران مربوط بوده است و در سراسر ایران، این رقم چندین برابر بوده است. آمارهای متفاوتی از اعدامی‌های آن ماه‌ها، از چهار هزار تا بیش از 20 هزار نفر منتشر شده است.

قتل‌های موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای»، به قتل برخی از شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منتقد جمهوری اسلامی در دهه هفتاد خورشیدی در داخل و خارج از ایران گفته می‌شود که به گفته برخی منابع با صدور فتوای روحانیون بلندپایه و توسط پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت علی فلاحیان (وزیر اطلاعات دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی) و دری نجف‌آبادی (اولین وزیر اطلاعات در دولت محمد خاتمی) صورت گرفت.

این قتل‌ها در طول چندین سال اتفاق افتاده و تعداد قربانیان به بیش از هشتاد نویسنده، مترجم، شاعر، فعال سیاسی و شهروندان عادی می‌رسد.

طبق آمار سازمان‌های حقوق بشری در طول سال 78 تا 79، هر سال در ایران، حداقل 560 اعدام صورت گرفته است و در این سال‌ها مجموعاً 5220 نفر اعدام شده‌اند.

احمد شهید، گزارشگر وقت و ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران طی گزارشی اعلام کرده بود که «در سال 2014، 966 نفر در ایران اعدام شده‌اند که این تعداد بالاترین رقم اعدام در بیست سال گذشته است».

براساس این گزارش «تعداد اعدام‌شدگان از 91 نفر در سال 2005 به 966 نفر در سال 2015 افزایش یافته است. برخی از آن‌ها پیش از رسیدن به سن قانونی 18 سالگی به اعدام محکوم شده بودند».

همچنین در این گزارش آمده که «در سال گذشته زندان قزلحصار با 155 نفر و زندان رجایی‌شهر کرج با اعدام 109 نفر بیشترین تعداد اعدام‌ها را در ایران داشته‌اند».

در یکی از گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در ژنو انتشار یافته، با تأکید بر موج فزاینده اعدام‌ها توجه اعضای شورا را به حقایق آماري از 2003 تا 2011 جلب کرده و گفته این آمار به صورت تقریبی 7 برابر شده است. گزارشگر ویژه تعداد اعدام‌های اعلام شده و مخفیانه سال 2011 میلادی را دستکم 670 نفر اعلام کرده است.

اجرای احکام اعدام در سال 2015 نسبت به سال 2014 دستکم 40 افزایش داشته است. در سال 2015، بیش از 700 نفر در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند.

اعدام دستکم 671 زندانی از ابتدای سال 2016 و بالا رفتن آمار آن نهادهای حقوق بشر ایران اعلام کرده بودند که 5 مرداد ماه 1395؛ اعدام دستکم 250 نفر از تاریخ 1 ژانویه تا 20 جولای سال جاری توسط سازمان حقوق بشر ایران به ثبت رسیده است. این آمار نشان می‌دهد به‌طور متوسط در هر روز بیش از 1 نفر اعدام شده است. همچنین در تاریخ 12 مرداد ماه، 20 زندانی اهل سنت کرد، اعدام شدند.

سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید دستکم 33 مورد از اعدام‌های ثبت‌شده در ایران در سال 2016 میلادی در

ملاءعام انجام شده است. دستکم دو متهم که در نوجوانی مرتکب جرم شده‌اند، و اعدام آن‌ها بر خلاف میثاق‌ها و تعهدات بین‌المللی است، و هشت شهروند زن، نیز در میان اعدام‌شدگان سال گذشته میلادی هستند.

آنچه سازمان عفو بین‌المللی بر آن تأکید می‌کند این است که شمار بسیاری از احکام صادرشده اعدام در ایران، برای جرایمی صادر شده که از منظر «معیارهای بین‌المللی» به‌عنوان «جرایم خیلی جدی» به شمار نمی‌روند. عفو بین‌الملل می‌گوید بسیاری از احکام اعدام برای جرایم مرتبط با مواد مخدر یا اتهام‌های «میهم» از جمله «محرابه» صادر شده است. در گزارش 2017 سازمان عفو بین‌الملل، آمده است که 84 درصد تمام اعدام‌ها در جهان در فقط چهار کشور (ایران، عربستان سعودی، عراق و پاکستان) انجام شده است.

طبق آمار، 814 مورد مجازات اعدام در سال نخست دولت روحانی به اجرا درآمده است که در مقایسه با زمان مشابه سال قبل (12 مردادماه سال 1391 تا 12 مرداد سال 1392) با تعداد 553 مورد، افزایش 47 درصدی داشته است.

مجازات اعدام برای افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از 18 سال سن داشته‌اند، 16 مورد بوده که حکم اعدام تمامی آنان بعد از رسیدن به سن 18 سالگی به اجرا درآمده است. همچنین 19 تن از افراد اعدام شده زن بوده و حکم اعدام 697 نفر از آنان به صورت گروه‌های 2 تا 16 نفره و 117 نفر از این افراد به‌صورت فردی اعدام شده‌اند.

همچنین طبق مشخصات افراد اعدام شده، 73 نفر از آن‌ها کرد، 21 نفر عرب، 16 نفر بلوچ، 9 نفر آذری و 3 نفر تبعه افغانستان بودند.

در طول دوران چهار سال و نیمه روحانی سه هزار و 227 نفر در ایران اعدام شده‌اند. در سال 2017، حداقل پنج مورد اعدام نوجوانان اجرا شده است. فقط در ماه نخست سال 2018، سه نوجوان در ایران اعدام شده‌اند.

در دی ماه سال 1396، صدها هزار تن در 100 شهر ایران در اعتراض به فساد دولتی، بیکاری و گرانی و تورم و فقر و سرکوب و اختناق جمهوری اسلامی به خیابان‌ها آمدند و دست به راهپیمایی و اعتراض زدند. در ادامه این اعتراضات، شعارها رادیکال‌تر و سیاسی‌تر علیه کلیت جمهوری اسلامی شدند. براساس آمار منابع رسمی بیش از 22 تن در جریان تظاهرات کشته شده و تعدادی نیز در زندان‌ها زیر دست شکنجه‌گران جان باختند و بیش از 4000 نفر نیز بازداشت شدند.

بی‌تردید آمار اعدامی‌ها در ایران، بیش از موارد ذکر شده در این گزارش است. از سال 2005 تاکنون، هیچ نماینده ویژه سازمان ملل از ایران بازدید نکرده است. همچنین، دولت با شکست در اجرای پیشنهادات گروه‌های کارشناس سازمان ملل، عدم تعهدش را به همکاری با این سازمان نشان داده است.

در گزارش 28 فوریه 2018 - 9 اسفند 1396 دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای حقوق بشر درباره سرکوب روزنامه‌نگاران و فعالان و ادامه تبعیض علیه زنان و اوضاع اقلیت‌های دینی ایران ابراز نگرانی کرده است. در گزارش «مقدماتی» آنتونیو گوترش به سی و هفتمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو سوئیس، آمده است که در ایران سرکوب روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر ادامه دارد؛ همچنین «در وضع اقلیت‌های دینی و ملی که با محدودیت مواجه هستند هیچ‌گونه بهبودی مشاهده نشده است».

دبیرکل سازمان ملل متحد از ادامه آنچه شکنجه و بدرفتاری در زندان‌های ایران از جمله «اعمال فشارهای فیزیکی یا روحی بر زندانیان برای گرفتن اعترافات اجباری» خوانده نیز ابراز نگرانی کرده است. این گزارش، همچنین به اعتراضات دی ماه گذشته در شهرهای مختلف و دستگیری حداقل 3700 نفر اشاره کرده از دولت ایران خواسته به حقوق آن‌ها احترام بگذارد.

در جریان سخنرانی علیرضا آوایی وزیر دادگستری ایران در سی و هفتمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، معترضان ایرانی در ژنو تظاهرات و چند دیپلمات جلسه را ترک کردند.

علیرضا آوایی از 1384 تا 1393 رییس کل دادگستری

تهران بوده و اتحادیه اروپا او را به خاطر مشارکت در دستگیری‌های خودسرانه، نقض حقوق بشر، انکار حقوق زندانیان و افزایش اعدام‌ها، در لیست تحریم‌های خود قرار داده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، آوایی در این جلسه «کاستی‌های هولناک» در شورای حقوق بشر و در سایر سازوکارهای سازمان ملل را محکوم و واشنگتن و سایرین را به «بهربرداری از مسئله حقوق بشر برای مقاصد سیاسی» متهم کرد.

هنگام برگزاری این جلسه، تعدادی از نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی با شعار «آوایی را دستگیر کنید» در مقابل مقر سازمان ملل تظاهرات کردند. آوایی در قتل‌عام زندانیان سیاسی در تابستان 1367 نیز نقش داشته است. زندانیان سیاسی دهه شصت در زندان‌های ذوقول و اهواز شهادت داده‌اند که علیرضا آوایی در سال 1367 عضو هیات مرگ این زندان‌ها بود.

پرتقال اولین کشوری بود که در سال 1۸۶۷ اعدام مجرمین در زمان صلح را لغو کرد. هلند در سال ۱۸۷۰، ایتالیا در سال ۱۸۸۹، نروژ در سال ۱۹۰۲، سوئد در سال ۱۹۲۱ و دانمارک در سال ۱۹۳۰ از جمله سایر کشورهای اروپایی بودند که احکام اعدام در زمان صلح را لغو کردند. متأسفانه این روند حقوق بشری و انسانی با به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در ایتالیا، اسپانیا و نازیست‌ها در آلمان و دوره حاکمیت استالین در شوروی کنار گذاشته شد. کشتار دگراندیشیان، کمونیست‌ها، آزادی‌خواهان، ضدفاشیست‌ها، آثارشیت‌ها، یهودیان، رومانی‌ها نه تنها تحمل شد، بلکه کشورهای که خود را لیبرال و طرفدار حقوق انسانی می‌دانستند با برگزار کردن دادگاه‌هایی چون دادگاه نورمبرگ و ... حکم به اعدام جنایت‌کاران نازی - فاشیست دادند.

دهه‌هاست که بسیاری از افراد، نهادها و سازمان‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، خواهان لغو اعدام در ایران هستند. از جمله اخیراً کمپین وسیع و اجتماعی در جهت لغو اعدام از سویس آغاز شده و به ترتیب در دیگر کشورهای اروپایی و اسکاتلندی و غیره ادامه خواهد یافت. پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، در سازمان‌دهی و برگزاری این کمپین‌ها، نقش پیگیر و فعالی در پیش گرفته است.

ما در این راستا به حمایت و پشتیبانی تمامی نهادها فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، سازمان‌ها مدافع حقوق زنان، کودکان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، وکلای بدون مرز، پزشکان بدون مرز، سازمان‌ها و احزاب سیاسی، کنفدراسیون‌ها و اتحادیه‌های کارگری انسان‌دوست جوامع غربی و ایرانی، نیاز عاجل داریم. اجرای حکم اعدام و سلب حق زندگی انسان‌ها، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی انسان و قتل عمد و جنایت دولتی محسوب می‌شود. خواست لغو حکم اعدام در سطح جهان، وظیفه آگاهانه هر فرد و نیروی آزادی‌خواه، برای طلب و انسان‌دوست است!

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران ژوئن 2018



آدم کشان حکومت اسلامی، محمد ثلاث، درویش گنابادی، روز دوشنبه 28 خرداد - 18 ژوئن، در حالی اعدام کردند که وی در سومین و آخرین جلسه دادگاه خود در روز یکشنبه، اتهام «قتل عمد» و «اخلال در نظم عمومی از طریق جنجال و تعرض» را رد کرده بود. ثلاث در یکی از جلسات دادگاه خود گفته بود که «17 جای شکسته روی سر من وجود دارد. آن‌ها (ماموران) اول چندین ضربه به من وارد کردند و باعث عصبانیت من شدند».

جسد محمدرضا (محمد) ثلاث از تهران به پروچرد منتقل و بدون حضور خانواده به خاک سپرده شد.

زنجیره هولناک تجاوز ...

انتقادهایی در مورد رویکرد مقامات به این جنایت و تعلل در تصویب قوانین حمایت از کودکان در برابر کودک آزاری بالا گرفته است. علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، خود وارد پرونده دبیرستان معین تهران شده، از این رخداد به عنوان «جنایت» نام برده و در دستوری خطاب به رییس قوه قضاییه خواستار اجرای حدود الهی در رابطه با محکومین شده است.

این درخواست علی خامنه‌ای در حالی انجام می‌شود که در موضوع صدور حکم «تبرئه» برای سعید طوسی، قاری مشهور و بین‌المللی قرآن متهم به تجاوز جنسی، انتقادهایی متوجه خود اوست. گفته شده است که طوسی سال‌های طولانی به پسرپچه‌هایی که در کلاس‌های قرآن او شرکت داشتند تجاوز می‌کرده است.

شاکیان پرونده سعید طوسی، از نقش علی مقدم مسئول ارتباطات دفتر رهبر حکومت اسلامی، در صدور حکم «تبرئه» طوسی سخن گفته‌اند.

هنگامی که حتی رهبر و نماینده مجلس آن، متجاوزان را خودی و غیروودی می‌کنند؛ رهبری که حرف اول و آخر مملکت را می‌زند و سخن او، بالاتر از هر قانونی است بنابراین در چنین حکومتی، کودکان نخستین قربانیان هستند! کودکانی که نه حکومت و قوانین آن حامی شان است، نه جامعه، نه آموزش و پرورش و حتی بسیاری از خانواده‌ها نیز به دلیل فقر فرهنگی و ناآگاهی دست به کودک آزاری می‌زنند.

یک نمونه دیگر صریح و آشکار «قانونی» کردن ازدواج سرپرست با فرزند خوانده است. سایت حکومتی «تابناک»، 25 مهر 1392-17 اکتبر 2013، با تیترویی تحت عنوان «ازواج سرپرست با فرزند خوانده قانونی شد»، نوشت: «با وجود مخالفان حقوق کودکان و کارشناسان سرانجام لایحه حمایت از کودکان «بی‌سرپرست و بدسرپرست» با ماده جنجالی 27 که در آن اجازه ازدواج سرپرست با فرزند خوانده داده می‌شود تصویب شد.»

طبق قانون مجازات اسلامی، انسان‌ها را تنها به جرم داشتن باوری متفاوت می‌توان کشت و زنان را می‌توان سنگسار کرد؛ در حالی که پدر خانواده اگر کودک خود را بکشد مجازات چندان نمی‌بیند.

باین ترتیب، ایدئولوژی و قوانین حکومت اسلامی، اجازه می‌دهد که سیاست‌های ضدزن و ضدکودک در جامعه اجرا شود. حکومتی که کودکان را زندانی و شکنجه و اعدام می‌کند بی‌تردید زمینه را برای تجاوز به کودکان نیز فراهم می‌سازد. در قوانین حکومت اسلامی، در بهترین حالت زن نیمه‌انسان محسوب می‌شود پس رعایت حقوق کودک در چنین جامعه و آموزش و پرورش آن بی‌معنی است!

در چنین شرایطی، جامعه ایران به تشکل‌ها و نهادهای و مجامع مردمی مستقل و خودگردان از جمله نهادهای دفاع از حقوق زنان و کودکان مانند نان شب نیاز دارد. نهادهایی که تمام خطرات را به جان بخرد و محکم و قاطع آلترناتیو فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه خود را در مقابل جامعه قرار دهد!



کتاب‌های کانون نویسندگان ایران ضبط شد

عصر روز یکشنبه 27 خرداد، ماموران اطلاعات کتاب‌های کانون نویسندگان ایران را ضبط کردند و با خود بردند. کتاب «پنجاه سال کانون نویسندگان ایران» اثری پژوهشی در باره نیم قرن فعالیت کانون است که هیئت تحریریه کمیسوین پنجاه سالگی کانون با یک سال تلاش آن را در چهار جلد تدوین کرده است. این کتاب 1300 صفحه‌ای به منظور آشنایی اعضا با فعالیت‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخ کانون تدوین شده و از متون داخلی کانون است. امروز عصر هنگامی که پیک موتوری سی دوره کتاب منتشر شده را از صحافی به منزل یکی از اعضای کانون رساند ماموران اطلاعات او را دوره کردند و با نشان دادن حکم توقیف کتاب‌ها همه سی دوره (120 جلد) را ضبط کردند و با خود بردند. صورت‌جلسه را نیز به امضای راننده پیک موتوری رساندند و از همه لحظه‌ها فیلم گرفتند. پیش‌تر در چهارم خرداد نیز ماموران اطلاعات مانع از برگزاری جشن پنجاه سالگی کانون شدند و همه پوسترها و عکس‌ها و بنرها و یادگارهای تهیه شده مخصوص مراسم را ضبط کردند و با خود بردند.

کانون نویسندگان ایران



رومانی از ترجمه کتاب انقلاب روزآوا

از انگلیسی به فارسی در لندن

مراد عظیمی

محل برگزاری:

ETHIOPIAN COMMUNITY IN BRITAIN

ADDRESS: 2 ALITHOS ROAD, NW3 5EF

زمان:

یک شنبه یکم جولای 2018

DATE: 01/06/2018, TIME: 6PM-10

NEAREST UNDERGROUND, FINCHLET ROAD

NORTHERN LINE

CONTACT TEL: 07748539698

MORAD AZIMI



انقلاب روزآوا

مایکل نپه، آنا فلاح و ارکان آویویگا

ترجمه: مراد عظیمی

این کتاب به زبان انگلیسی در لندن توسط مراد عظیمی ترجمه شده است. این کتاب به فارسی در لندن توسط مراد عظیمی ترجمه شده است. این کتاب به فارسی در لندن توسط مراد عظیمی ترجمه شده است.

بیانیه پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران: در رابطه ...

اردوغان در جهت حفظ قدرت و بقای حاکمیت خود، به هر ترفندی متوسل می‌شود و در روز روشن رسماً یک مشت دروغ تحویل شهروندان ترکیه می‌دهد. در آستانه برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی و ریاست جمهوری ترکیه، اردوغان در ادامه کارزار انتخاباتی خود به دیاربکر رفت. او در سخنانی تلاش کرد آرای کردهای ترکیه را به دست بیاورد. اردوغان، ادعا کرد که در چهل سال گذشته، صلح و آرامش در بخش کردنشین ترکیه بی‌نظیر است! اردوغان، همچنین مدعی شد که هرگز تا این حد شهروندان کرد در این کشور با دولت ترکیه احساس صمیمیت و نزدیکی نکرده‌اند. ادعای این چنینی اردوغان زمانی مطرح می‌شود که بسیاری از شهرهای کردستان در دو سه سال اخیر توسط ارتش و سایر نیروهای امنیتی این کشور ویران شده‌اند. مردم کرد، از اردوغان و دولت او نفرت دارند. از این رو، اگر در دوردست‌ها کسی ندیده و نشنیده باشد دست‌کم مردم کردستان، در جنگ تحمیلی و سرکوب‌های وحشیانه همه‌جانبه دولت و اردوغان، بسیاری از عزیزان خود را از دست داده‌اند و یا در زندان‌ها هستند. پس این دروغ‌های واقعا شاخدار اردوغان، در مناطق کردستان و حتی در شهرهای بزرگی مانند استانبول و آزمیر، هیچ خریداری ندارد. در چنین شرایطی، «صلاح‌الدین دمیرتاش»، نامزد ریاست جمهوری حزب دمکراتیک خلق‌های ترکیه، یکی از رقبای اصلی اردوغان و کابوس اوست. وی یکی از دو رهبر اصلی حزب دمکراتیک خلق‌ها در پانز سال 2016، به اتهام واهی حمایت از تروریست‌ها زندانی شد. طبق قوانین رسمی ترکیه، عضویت وی در حزب متبوعش و نیز در مجلس ملی ترکیه لغو شده است و چندین پرونده محکومیت قضایی دارد اما با توجه به قطعیت نیافتن این پرونده‌ها، توانسته از طرف حزب خود به‌عنوان نامزد معرفی شود؛ و در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند با استفاده از مصونیت سیاسی از زندان آزاد گردد.

صلاح‌الدین دمیرتاش، در ماه مارس 2015، خطاب به اردوغان گفته بود: «ما تو را رییس‌جمهور نخواهیم کرد.» حزب دمکراتیک خلق‌ها از ژوئن 2015، تحت فشار و سرکوب‌هایی قرار گرفته که تا حال حاضر نیز ادامه دارد. حدود 10 هزار نفر از اعضا، 100 شهردار و 9 نماینده مجلس از این حزب در زندان به‌سر می‌برند. در پانز سال 2016، صلاح‌الدین دمیرتاش و فیگن یوکسکداغ، دو رهبر حزب، به اتهام حمایت از تروریست‌ها زندانی شدند. دولت ترکیه به دستور «رجب طیب اردوغان»، ضمن اعمال وضعیت فوق‌العاده در ترکیه، بیش از 50 هزار نفر را بازداشت و حدود 150 هزار نفر را از مشاغل دولتی اخراج کرده است.

شاید حاکمان سیاسی و مدیران اقتصادی ترکیه تا روز انتخابات راهکار موقتی ارائه دهند اما اگر درباره بهتر شدن اوضاع اقتصادی ترکیه راه‌حل قابل قبولی ندهند، احتمالاً هم اردوغان از آرای این طبقه محروم می‌شود و هم فرار سرمایه‌ها از ترکیه و روند سقوط لیر ادامه خواهد یافت.

ما در این انتخابات از حزب دمکراتیک خلق‌ها، حمایت می‌کنیم. همچنین از همه نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب، آنارشویست و سوسیالیست مخالف حکومت اسلامی ایران، دعوت می‌کنیم که در داخل ترکیه و خارج کشور از این حزب دفاع کنند و خواهان آزادی عبدالله اوچلان، صلاح‌الدین دمیرتاش و سایر زندانیان سیاسی از زندان‌های ترکیه شوند. چرا که این مسئله از یک‌سو وظیفه آگاهانه و داوطلبانه نیروهای انترناسیونالیست است و از سوی دیگر، تغییر فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه به نفع کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان، همجنس‌گراها، مردم کرد، ارمنی، علوی و غیره به نفع پیکارگران جامعه ایران هم هست.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
جمعه هشتم ژوئن 2018 - هجدهم خرداد 1397

بیانیه پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و

خلق‌های ایران: در رابطه ...

این کشور در حال حاضر، بیش از هر زمانی دیگر از سال 2002، به بحران ارزی کامل نزدیک شده است. این در حالی است که مجلس ترکیه بودجه سال 2018 این کشور را که شامل افزایش هزینه‌های جنگی و دفاعی و همچنین پیش‌بینی کسری بودجه 66 میلیارد لیره‌ای این کشور، که در حدود 17 میلیارد دلار می‌شود را تأیید کرده است.

بودجه 2018 که در مجلس ترکیه به تصویب رسیده است، تغییراتی در قوانین مالیات از جمله افزایش مالیات شرکت‌ها و مجموعه‌های خودروسازی برای کمک به پرداخت هزینه‌های رو به افزایش تدابیر امنیتی در نظر گرفته است. قبلاً در سال 2016، موسسه اعتبارسنجی مودیز و استاندارد اند پورز رتبه اعتباری ترکیه را به «بی‌ارزش» کاهش داده بودند. همچنین موسسه اعتبارسنجی فیچ وضعیت سرمایه‌گذاری این کشور را بسیار «شکستنده و ضعیف» پیش‌بینی کرده بود.

پس از شبه‌کودتای نظامی بحران‌انگیز 15 جولای 2016 در این کشور، اردوغان به‌شدت مستبد شده است و دموکراسی نیم بند ترکیه نیز زیر سایه‌های قدرت شخص اردوغان قرار دارد.

افرادی که به بهانه کودتای صورت گرفته دستگیر شدند تنها محدود به نظامیان این کشور نبودند، بلکه تعداد زیادی از سیاستمداران، قضات، روزنامه‌نگاران، دانشگاہیان، معلمان و کارکنان دولتی نیز در جمع دستگیرشده‌ها قرار داشتند.

اتحادیه اروپا، اواخر سال گذشته میلادی، در جریان تصویب برنامه بودجه سال 2018 این اتحادیه، کمک‌های مالی به ترکیه را به خاطر آنچه که عدم پایبندی آنکارا به دموکراسی و نقض حقوق بشر عنوان شد، قطع کرد.

تصمیم قطع کمک‌های مالی به ترکیه - که مربوط به فرایند تعلیق شده عضویت آن در اتحادیه اروپا است - به پیشنهاد «انگلا مرکل» صدراعظم آلمان در پی واقع پس از کودتای نافرجام 15 جولای 2016 گرفته شد. نمایندگان و اعضای پارلمان اروپا در جلسه خود موافقت کردند 105 میلیون یورو از «پرداخت پیش از عضویت» را کاهش داده و 70 میلیون یورو کمک اضافی که قبلاً وعده داده شود را تعلیق کنند.

اروپا مهم‌ترین واردکننده کالاهای ساخت ترکیه و در عین حال مهم‌ترین بازار مالی برای ترکیه است. ترکیه به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نیاز فراوان دارد ولی در حال حاضر با کمبود چشمگیر سرمایه‌گذاری روبه‌رو شده و میزان پس‌انداز در این کشور بسیار کاهش یافته است. اروپایی‌ها هم رغبتی برای سرمایه‌گذاری در این کشور از خود نشان نمی‌دهند.

شاید دولت ترکیه این عقیده را داشته باشد که بحران جدی اقتصاد این کشور را تهدید نمی‌کند اما کاهش شدید ارزش پول ملی برای مردم نمایش‌گر اوضاع بد اقتصادی است.

سیاست‌های مستبدانه و سرکوبگرانه دولت ترکیه و اردوغان، بر صنعت توریسم این کشور نیز ضربه شدیدی زده است. همچنان روزبه‌روز از میزان درآمدهای این صنعت کاسته می‌شود. ترکیه سالانه 13 درصد از تولید ناخالص ملی خود را توسط توریسم کسب می‌کند. در حالی که میزان درآمد ناشی از صنعت گردشگری در سال 2016 نسبت به سال قبل از آن، 40 درصد کاهش یافته بود. اقتصاد ترکیه بر اثر رویدادهای سیاسی، اقدامات و تصمیمات نادرست اردوغان آسیب جدی دیده است. نرخ رشد اقتصادی این کشور در سه‌ماهه سوم سال 2016 نسبت به مدت‌زمان مشابه سال پیش 8/1 درصد کاهش یافته است. یک چنین رویدادی از سال 2009 تاکنون بی‌سابقه بوده است.

اردوغان با تغییر قانون اساسی و اعطای اختیارات بیش‌تر به شخص رییس‌جمهور، خود را به قدرت بلامنازح کشور تبدیل کرده است. این برای کسی که می‌خواهد قدرت اول کشور باشد چندان خوشایند نیست. همگی این اقدامات به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر افکار عمومی و آزادی‌های فردی و جمعی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و حتی سیاست‌های

کشورهای اروپایی در رابطه با ترکیه تأثیر قابل‌توجهی گذاشته است.

به این ترتیب، اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ترکیه تعریف چندانی ندارد؛ شرایطی که باعث شده اکثریت شهروندان ترکیه به ویژه مردم کرد، ارمنی، علوی و مزدبگیران از حکومت اردوغان نفرت داشته باشند.

واحد پول ترکیه از اوایل سال جاری میلادی بیش از 20 درصد از ارزش خود را از دست داده است و این روزها یک دلار آمریکا به قیمت 93/4 لیر فروخته می‌شود. شهروندان ترکیه از بیم ادامه این روند و به بادرقتن دارایی‌هایشان یا طلا می‌خرند یا لیرهایشان را به یورو و دلار تبدیل کرده‌اند. آیا لیر سرانجام در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی 24 ژوئن - سوم تیر، به یک تازی اردوغان در میدان سیاسی ترکیه پایان خواهد داد؟

اردوغان سه هفته پیش «دشمنان ترکیه، دلان ارز و لابی‌های سودجو» را عامل بحران پولی کشور معرفی کرده بود. او از مردم خواست دلار و یورو را از «زیر بالاش» درآورده و به لیر تبدیل کنند. بینالی یلدریم نخست وزیر ترکیه هم اطمینان داده که «نوسان در بازار ارز موقتی و دوره ای است.» اما شهروندان ترکیه هنوز نسبت به تضمین‌های دولت اعتماد ندارند و همچنان در صف‌های خرید طلا، دلار و یورو هستند.

بحران لیر ترکیه دو عامل اساسی و کلان دارد که یکی در داخل ترکیه و دیگری در خارج است. این کشور همچون بسیاری از بازارهای نوظهور دنیا با کاهش سرمایه‌گذاری خارجی روبه‌رو است. برخی از آن‌ها فعلاً از این وضعیت متلاطم خارج شده‌اند اما ترکیه و آرژانتین همچنان گرفتار مانده‌اند.

سرمایه‌گذاران اخیراً پول‌های خود را به امید سرمایه‌گذاری سودآورتر به کشورهای توسعه یافته و با ثبات منتقل کرده‌اند. چین، آمریکا و ایتالیا مقصدهای اصلی این سرمایه‌ها به شمار می‌آیند.

ترکیه در حال حاضر مانند ایران، به مناسبات با روسیه اهمیت زیادی می‌دهد. آمریکا نیز ترجیح می‌دهد که روابط تجاری بهتری با روسیه داشته باشد. مانند گرجستان، اوکراین و حتی جمهوری آذربایجان داشته باشد. این ناپساامی در روابط سیاسی دو کشور و حتی احتمال بروز دوره‌های تکرارشونده تنش بر سر سوریه و سایر تحولات منطقه‌ای، سرمایه‌گذاران را از فعالیت در ترکیه بازداشته است.

بحران جاری زمانی اوج گرفت که اردوغان در جریان سفر اخیر خود به انگلیس، با بلومبرگ مصاحبه کرد و گفت که می‌خواهد بعد از انتخابات تأثیر بیش‌تری در سیاست‌گذاری‌های پولی داشته باشد. او وعده داد که پس از انتخابات نظم مالی را برقرار کرده و تورم را مهار کند. بازاری مانند ترکیه، علاقه‌ای به دخالت دولت رییس جمهوری در امور مالی ندارد. در پی این تحولات، سرمایه‌گذاران بیم آن دارند که کنترل اردوغان بر سیاست‌های پولی افزایش یافته، استقلال بانک مرکزی از بین رفته و مدیریت اقتصادی کشور تصمیمات نادرستی را به آن‌ها تحمیل کند.

بنابراین، اعتماد مصرف‌کنندگان داخلی به دولت سلب شده و مردم برای حفظ ارزش پول و دارایی‌های خود به ارز خارجی روی آورده‌اند. شرکت‌های خصوصی هم جزو دیگر گروه‌های اصلی هستند که تقاضای بالایی برای ارز خارجی دارند. سرمایه‌گذاران خارجی هم خروج از ترکیه را بهترین راه محافظت از ثروت خود یافته‌اند.

باتک مرکزی ترکیه تصمیم گرفته نرخ سود بانکی را سه درصد افزایش داده و به 5/16 درصد رسانده و ارزش لیر را بازگرداند. این بانک، همچنین وعده داده به شرکت‌ها کمک کند تا بخشی از بدهی خارجی خود را به راحتی پرداخت کنند. در شرایط فعلی، تنها راه مقابله با بحران لیر افزایش نرخ سود بانکی است که از یک‌سو، روش مورد علاقه اردوغان نیست و از سوی دیگر، تأثیر مثبت آن در طولانی مدت قطعی و مسلم نیست.

البته هنوز میزان تأثیر بحران جاری بر نتایج انتخابات به طور کامل مشخص نشده است اما به گفته برخی کارشناسان، شاید تأثیر مخربی برای اردوغان داشته باشد.

گروه تحقیقاتی «متروپول» که در آنکارا مستقر است، ماه آوریل نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرد که در آن آمده بود که 6/50 درصد از مردم می‌گویند شرایط

معیشتی و سطح رفاهی آن‌ها در یک سال گذشته، وخیم شده است. تنها 6/16 درصد از اوضاع زندگی خود ابراز رضایت کرده‌اند. گفته می‌شود این مسئله به دلیل آن است که در حدود دو سال اخیر یعنی پس از کودتای 2016 ترکیه، اردوغان تلاش کرده تا هر چه بیش‌تر قدرت را در دستان خود متمرکز کند. از این‌رو، دخالت‌های او روند رونق اقتصادی را معکوس کرده است.

کاهش ارزش لیر بیش از همه به کسب و کارهای کوچک و بخش زیادی از افراد طبقه متوسط لطمه زده است؛ یعنی همان دسته‌ای که اردوغان همواره به آرای آن‌ها متکی بوده است.

جامعه ترکیه در کنار مشکلات اقتصادی و سرکوب‌های سیاسی، با مشکلات امنیتی و درگیری در داخل خاک خود روبه‌رو است. قطع مذاکرات صلح با عبدالله اوچالان و اعلام جنگ و حمله به مقر حزب کارگران (پ.ک.ک - PKK) و همچنین حزب دمکراتیک سوریه (پ.د.ی - PYD) در کانتون عفرین و اشغال نظامی این کانتون و حمایت از گروه‌های تروریستی اسلامی و ارتش آزاد سوریه و غارت اموال مردم عفرین، خود باعث بروز مشکلات امنیتی تازه‌ای برای جامعه ترکیه شده است. هراس از حملات چریکی گریلاهای مسلح پ.ک.ک. به یک چالش بزرگ امنیتی برای دولت اردوغان تبدیل گشته است که جدا از چالش‌های امنیتی برای خود دولت، چالشی اساسی برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و صنعت توریسم نیز به شمار می‌آید.

دولت ترکیه، به خصوص خانواده اردوغان، آلوده به فساد مالی هستند. هر از چندگاهی در رسانه‌ها اسنادی از معاملات مخفیانه و فعالیت‌های تجاری بعضاً غیرقانونی اعضای خانواده اردوغان مخابره می‌شود.

سال گذشته، یک گروه مطبوعاتی اروپایی از کشورهای فرانسه، بلژیک، ایتالیا و اسپانیا که پس از افشای اسناد پاناما، بر روی گریزگاه‌های مالیاتی در اروپا و حاشیه دریای مدیترانه، تمرکز کرده‌اند، طی تحقیقاتی به 150 هزار سند مربوط به پناهگاه‌های امن مالیاتی در مدیترانه، «مالت» و «جزیره من» دست یافتند؛ آن‌ها در ادامه تحقیقات‌شان پی بردند که خانواده اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه مالک یک کشتی نفتکش 13 هزار تنی با نام «آگ داش» هستند که آن را از طریق کمپانی‌هایی که در مالت و جزیره من، ثبت شده‌اند، به دست آورده‌اند.

آن‌طور که در گزارش گروه مطبوعاتی اروپایی ضد فرار مالیاتی قید شده، یک چهارم از بودجه این اقدام توسط «سیتی آیان»، تاجر ترکیه‌ای که یکی از دوستان خانواده اردوغان است، تهیه شده و سه چهارم باقی مانده توسط «مبارز منسیموف»، میلیاردر ترکیه‌ای آذری تأمین شده که مالک گروه حمل و نقل «پالمالی» مستقر در استانبول است. پیش از این نیز گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت‌های رموز اقتصادی خانواده اردوغان منتشر شده بود؛ در دسامبر سال 2013 اداره مبارزه با جرایم مالی و درآمدهای مجرمانه وابسته به دایره امنیت استانبول، 47 نفر از جمله پسران سکه تن از وزرای کابینه اردوغان را بازداشت کرد؛ یک ماه بعد از آن، رسانه‌های ترکیه خبر دادند که احتمالاً پای دو پسر اردوغان یعنی «نجم‌الدین بلال» و «احمدبوراک» نیز به این پرونده باز خواهد شد. پس از مطرح شدن نام پسران اردوغان در پرونده فساد مالی در ترکیه، ناگهان «معتبر عکاش»، دادستان ویژه مبارزه با فساد استانبول از کار برکنار شد؛ وی طی مصاحبه‌ای گفت که «دست‌ان در دولت مانع انجام وظیفه او شدند!» در همان زمان نیز جنازه یک کمیسر پلیس مبارزه با قاچاق و جرایم سازمان‌یافته در خانه‌اش پیدا شد.

اردوغان سپس برای این‌که مانع از ادامه تحقیقات پیرامون فساد مالی فرزندانش شود، طی حکمی 350 افسر پلیس از جمله مسئولان واحدهای مبارزه با جرایم اقتصادی، قاچاق و جرایم سازمان‌یافته ترکیه را از کار برکنار کرد.

در اکتبر سال 2015 نیز «مهمت شمشک» وزیر مالیه ترکیه، در پاسخ به سنوال نماینده پارلمان این کشور از حزب اپوزیسیون جمهوری خلق، تأیید کرد که یک زمین 78000 متر مربعی به قیمت 3 میلیون لیر ترکیه به بنیاد «تورک گو» که متعلق به بلال و سمیه

بیانیه پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران:

در رابطه با انتخابات زودرس ترکیه و حمایت

از حزب دمکراتیک خلق‌ها!

مدتهاست که جامعه ترکیه دچار بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شده است. دولت ترکیه، همچنین در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بحران‌های عدیده‌ای دارد. دولت ترکیه و رجب طیب اردوغان رییس جمهوری این کشور سخت نگرانند که اگر صبر کنند تا انتخابات در سال آینده برگزار شود شاید فرصت را از دست بدهند و شکست بخورند. به همین دلیل، راه نجات و بقای حاکمیت خود را در برگزاری انتخابات زودرس تشخیص داده‌اند.

اردوغان با پیشنهاد دولت باغچلی رییس حزب حرکت ملی، تصمیم به انتخابات زودرس گرفت. در نتیجه این انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان روز 24 ژوئن 2018 برگزار خواهد شد.

در حالی که پیش از این اردوغان، بینالی ییلدریم نخست‌وزیر، بکیر بوزداغ معاون نخست‌وزیر و سخن‌گوی دولت ترکیه، بارها برگزاری زودهنگام انتخابات در این کشور را رد کرده بودند ولی با تأیید مجلس، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری این کشور 17 ماه زودتر از موعد مقرر برگزار می‌شود.

دلایل مختلفی همچون تنش‌های سیاسی، بحران اقتصادی، سقوط روزمره لیر ترکیه در مقابل دلار،

جنگ دولت و ارتش ترکیه علیه مردم کرد و پ.ک.ک، تشدید سانسور و اختناق، اشغال نظامی کانتون عفرین در روژآوا، و همچنین دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی دولت ترکیه به ویژه تنش با اتحادیه اروپا و آمریکا، همگی سبب شده‌اند که گرانی و تورم و بیکاری در ترکیه افزایش یابد و به نارضایتی عمومی شهروندان منجر گردد.

هرچند که احزاب مخالف دولت، به انتخابات زودرس انتقاد دارند اما چاره‌ای نداشتند جز این که خود را برای این انتخابات آماده کنند. بنا به اعلام شورای عالی انتخابات ترکیه، 5 نامزد نهایی انتخابات ریاست جمهوری این کشور، اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه، صلاح‌الدین دمیرتاش رهبر زندانی حزب دمکراتیک خلق‌ها، مرال آکشنر رهبر حزب تازه تاسیس خوب (İYİ)، تمل کارملاوغلو رهبر حزب سعادت، محرم اینجه رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق هستند. آن‌ها در انتخابات 24 ژوئن - 3 تیرماه ترکیه با همدیگر رقابت خواهند کرد.

حزب جمهوری‌خواه خلق با حمایت از حزب تازه تاسیس «خوب»، حتی به‌طور رسمی از پیوستن 15 نفر از نمایندگان این حزب به حزب خوب خبر داد تا این حزب 20 نماینده لازم را برای تشکیل یک گروه پارلمانی داشته باشد و دیگر نیازی به جمع‌آوری صد هزار امضاء پیدا نکند. خانم مرال آکشنر 61 ساله که از سال 1996 تا سال 1997 وزیر کشور ترکیه بود و اخیراً از حزب حرکت ملی استعفاء داده است.

اکنون در رابطه با این انتخابات، دو اتحاد شکل گرفته و یک حزب نیز به‌طور مستقل شرکت می‌کند. حزب حاکم عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی با هم متحد شده‌اند و حزب حرکت ملی از کاندیداتوری اردوغان حمایت می‌کند. اتحاد دوم، اتحاد سه حزب جمهوری‌خواه خلق، حزب سعادت و حزب خوب است.

اما حزب دمکراتیک خلق‌ها، با هیچ‌یک از این دو اتحاد، همکاری نمی‌کند. چرا که آن‌ها جریان‌ات راست و محافظه‌کار ملی - مذهبی می‌دانند. از این‌رو،

این حزب مستقلاً در این انتخابات شرکت می‌کند. سه انتخابات گذشته، یعنی دو انتخابات پارلمانی و انتخابات ریاست جمهوری نشان داده است که حزب دمکراتیک خلق‌ها، از حمایت جدی و فعال دست‌کم شش میلیون رای‌دهنده برخوردار است.

شایان ذکر است که به دلیل وضعیت فوق‌العاده و تشدید سانسور، تنها اردوغان و حامیان او از رسانه‌های سراسری تبلیغ می‌کنند و بقیه احزاب محرومند. ترکیه در سطح جهانی، به‌عنوان زندان بزرگ روزنامه‌نگاران معرفی شده است به‌طوری که تعدادی از دارندگان جایزه نوبل خواهان لغو سانسور و اختناق در ترکیه شده‌اند.

در نامه سرگشاده 44 تن از دارندگان جایزه نوبل که روز پنج‌شنبه اول مارس 2018 - 10 اسفند 1396 منتشر شده، از جمله آمده است: «ما خواستار لغو وضعیت فوق‌العاده، بازگشت فوری به قانون‌مداری و آزادی بی‌قید و شرط عقیده و بیان در ترکیه هستیم.»

در میان امضاءکنندگان این نامه اعتراضی، نام شمار زیادی از برندگان سرشناس جایزه نوبل ادبیات، از جمله الفریده یلینک اتریشی، هرتا مولر آلمانی، جان مکسول کوتسی اهل آفریقای جنوبی، وی. اس. ناپیل بریتانیایی، ماریا وارگاس یوسا اهل پرو و کازونو ایشی‌گورو نویسنده ژاپنی‌تبار بریتانیایی و آخرین برنده نوبل ادبیات، دیده می‌شود.

در نامه سرگشاده دارندگان جایزه نوبل خطاب به اردوغان، در درجه اول به محکومیت روزنامه‌نگاران سرشناس ترک، احمد آلتان و برادرش محمد آلتان و نیز نازلی ایلیجک به حبس ابد اشاره شده است. امضاءکنندگان در نامه خود نوشته‌اند که بازگشت ترکیه به قانون‌مداری، به آزادی برادران آلتان و خاتم ایلیجک خواهد انجامید که به شکلی «غیرقانونی» زندانی شده‌اند.

به گزارش وب‌سایت «پی 24»، پلاتفرم روزنامه‌نگاری مستقل که نامه دارندگان جایزه نوبل به اردوغان را منتشر کرده، در حال حاضر بیش از 150 روزنامه‌نگار در زندان‌های ترکیه به‌سر می‌برند. چندین رسانه ممنوع و تعطیل و وب‌سایت‌های زیادی فیلتر شده‌اند؛ آخرین آن‌ها رسانه آنلاین «احوال» ترکیه با مواضعی انتقادی بود که سی‌ام فوریه 2018، مسدود شد.

سانسور و اختناق، سرکوب جنبش‌های اجتماعی و حمله به مردم کرد و پ.ک.ک و اشغال کانتون عفرین در روژآوا، سبب شده‌اند که اوضاع اقتصادی ترکیه نیز به شدت وخیم‌تر گردد. اوضاع اقتصادی طبق برآورد کارشناسان و نهادهای مالی ترکیه در سال 2017، رقمی معادل 7/61 میلیارد لیره کسری بودجه داشت که دو برابر (حدود 30 میلیارد لیره) بیش‌تر از کسری بودجه این کشور در سال 2016 بود.

از اولین روزهای سال 2018 نیز، لیر ترکیه کاهش قیمت را در مقابل ارزهای خارجی تجربه کرد. کاهش ارزشی که اقدامات بانک مرکزی این کشور نتوانسته با آن مقابله کند. این روزها مردم ترکیه شاهد کاهش ارزش پول ملی‌شان هستند. آن‌ها به انتظار نشست‌اند تا ببینند آیا نرخ مبادله‌ای لیر در مقابل دلار آمریکا رکورد 4 لیر را خواهد شکست. اتفاقی که می‌تواند آغاز بحران مالی فاجعه‌بار برای اقتصاد ترکیه باشد.

حزب حاکم عدالت و توسعه اسلامی ترکیه، در سال 2002 با برنامه‌هایی که برای اصلاحات اقتصادی و ایجاد تغییرات در مناطق کردنشین ارائه کرده بود و با وعده اصلاحات توانست اکثریت آراء را از صندوق‌های اخذ رای به نفع خود به دست آورد.

